

دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال چهارم

بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره چهل و نهم

زیباشناختی واژگان قرآنی در پرتو ادبیات تازی و پارسی با موضوع آرایه تشخیص personification

دکتر حسین قدمی^۱

چکیده

در پژوهش‌های بلاغی با محوریت دانش بیان قرآن کریم که از وجوه اعجاز می‌باشد، واژه در پیکره آیات سبحانی عنصر تشکیل دهنده است و در انتقال مفاهیم به مخاطب بسیار تاثیر گذار می‌باشد. زیبایی این الفاظ از حیث آرایه تشخیص و انسان‌واره شدن واژگان جامد با لذت بردن از شنیدن نغمه‌ها و بهره‌مندی هوش و گوش از لذت عاطفه و تناسب این آرایه با قرار گرفتن در قالب آیات موضوعی روان‌شناختی است. در این نوع بیانی الفاظ الهی، خود را با جان بخشی و خردگر کردن جامدات می‌آرایند و زیباشناختی آنها علاوه بر یک فن بلاغی در هنر بافتی نیز تجلی می‌یابند. این آرایه گمنام و دیر نام به دستاوردها و آثار بزرگان بلاغت تکیه دارد و بارویکرد به فرهنگ معاصر بلاغی نامی نوین با عنوان تشخیص به خود گرفته و پیشینه‌ای قبل از نزول قرآن دارد و در آیات الهی جلوه بیشتری یافت و موضوعی در ادبیات تازی و پارسی گشت. این موضوع ادامه مباحث بلاغیون در استعاره از نوع مکنیه تخیلیه است و کاملاً با آنیمیس (جان دار پنداری) متفاوت است چون شناخت مشارکت واژه در فن تشخیص با روشنگری دقیق در تعاریف قابل دست‌یابی است و سبب اقتناع عقلانی و تاثیر بر احساس و عاطفه خواهد بود. این نوشتار بر بلندای قله‌ای از تواضع و خشوع می‌کوشد تا زیباشناختی واژگان و حیانی را در هنر و صنعت تشخیص به ادب دوستان تقدیم کند.

کلیدواژه‌ها: تشخیص، بلاغت، قرآن مجید، زیباشناختی، ادبیات تازی و پارسی.

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان. dr.ghadami91@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۱۹

۱- مقدمه

دانش زیبایی یا زیبایی شناسی *Asthetics* را نخستین بار فیلسوف آلمانی بومگارتن (۱۷۱۴-۱۷۶۲) بکاربرد. تحقیقات و پژوهش های زیبایی شناختی در مغرب زمین از موضوعات نوین محسوب می شود در حالی که گونه های مختلف آن در قرآن کریم و ادب تازی و پارسی وجود داشته است با این توضیح که نامی متناسب که بیانگر شکل کامل موضوع باشد وجود نداشته است. نام آورانی چون زکریا ابراهیم، شکری عیاد، محمدزکی ع شماوی، عبدالمنعم تلیمه، امیره حلمی، عفیف بهنسی، عبدالکریم الیافی و فواد مرعی بعنوان ناقدان سرشناس عرب در سده بیستم آثاری در این دانش برجای نهادند ولی در حوزه پژوهش های قرآنی نبود (جمعه، ۱۳۹۱، ۳۰).

واژه یک پدیده قاموسی نیست و بر قاری و تالی کلام سبحانی روشن است که لفظ دارای دلالت تازه ای است که موضوع آن را بر بیطرفی و خنثی بودن قاموس می بخشد. مراد از زیباشناسی واژه زیبایی واقعی است که از اجزای موضوع زیبا و ترکیب آن ناشی می شود و خود یک امر واقعی است زیرا به هنر ادبیات و طبیعت نقش بشری تکیه دارد. و زیبایی واژه در این پژوهش ها امری حقیقی است چون اسباب و علل روشنی دارد و بر امور جزئی واژگان اعتماد دارد (یاسوف، ۱۳۸۸، ۲۹). مراد از زیبایی، زیبایی حسی و دیداری است که تاثیر واژه را در انتقال تصویر هنری به ذهن تبیین می کند و شامل تجسم بخشی امور معنوی و جان بخشی به پدیده ها و دمیدن روح حرکت و پویایی در تصویر می گردد و نیز مراد حسی و شنیداری و درونی هم می باشد. پس زیبایی الفاظ قرآنی تصویری صوتی فکری و معنایی است (همان، ۲۹). واژه آن پدیده ای است که در هنر گفتاری در سبک قرآنی مشارکت دارد و مجموعه ی آوایی را شامل می شود که بر معنایی دلالت می کند. واژگان و حیانی یک بازی خیالی و ذهنی محسوب می شود و با مناسبتی کامل و تام در قالب آیات و سوره در جریان است. و مهارت سخن با خواننده که سبب تاثیر پذیری شگرفی شود دیگر شاخصه واژگان الهی است. یاسوف به نقل از کرمبی می نویسد: «مهارت در ادبیات تنها به واژگانی مربوط نمی شود که نویسنده

زیباشناسی واژگان قرآنی در پرتو ادبیات تازی و پارسی... ۱۰۳۱۱۱

آنها را بکار می گیرد که مهارت سخن، شامل شخصیت گوینده نیز می گردد که تاثیر آن بیشتر و ژرف تر از تاثیر واژگان است (همان، ۳۸). آگاهی از پدیده زیباشناختی قرآن کریم از حیث زبان و سبک و ریتم، این ایده را در اندیشه ژرفا می بخشد که متن قرآن پدیده زبانی ویژه ای است که با زیباشناسی منحصر بفرد خود تاکید می کند آفریدگار و فرستنده اش آگاه و صاحب حکمت است و ریتم های موجود در آن موسیقی شعر عربی را تحت شعاع خود قرارداد چون قرآن نه شعراست و نه نثر مرسوم. هرچند که ماده آن از مواد زبانی و ریتمیک مشهور عربی است اما از مقاصد و غایات موجود در متن قرآن جدا نیست (جمعه، ۱۳۹۱، ۱۹). و قرآن نمونه اعلائی زیبایی را از حیث ساخت محتوا، هدف، و کارکرد محقق می سازد چون سرشار از انوار جمال و جلال است. این جلال و جمال الهی در قالب آیات قرآنی پرتوش در نهج البلاغه و کلام معصومین علیهم السلام نیز قابل درک می باشد و از باب تیمن و تبرک به سخنی از مولا امیرالمومنین علی علیه السلام اشاره می شود حضرت در خطبه خویش فرموده اند: «تصرخ من جود قضائه الدماء وتعج منه المواريث» (صالح، ۱۴۲۵، ۶۰). که در رد و طرد والیان نابایست و حاکمان ناشایست فرمودند از شدت ستم آنها خونها فریاد بر می آورند و مواريث به صدا در می آیند. نطق دماء و مواريث با زبان حال انسان سخنگو نمونه آرایه تشخیص محسوب می شود چون نماد انسان مدارانه می باشد (الحسینی، ۱۳۸۷، ۵۴۹). گرچه جناب سکاکی آن را براساس استعاره تحقیقه و تصریحیه تبعیه می داند. و یا تشبیه دماء و مواريث به انسان گریان از جهت ظلم و جور و اثبات صرخ و عجیج بر سبیل استعاره مکنیه تخیلیه است. نمونه های فراوانی از تشخیص در نهج البلاغه موجود است که مجال آن در این نوشتار نمی گنجد و فقط به ذکر خطبه های بسنده می شود. خطبه ۲۲۱ تعبیر آذان العقول (الحسینی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰). و خطبه ۹۱ تشبیه آب به مرد متکبر (الحسینی، ۱۳۹۲، ۲۸). و خطبه ۱۵۱ کور شدن چهره امور و کارها (همان، ۱۱۲). و خطبه ۸۷ تجلبب خوف (همان، ۳۳۷). و خطبه ۱۶۲ تشبیه قلب به انسان گریان (همان، ۴۱۹). نمونه هایی اندک از آن بحر معارف و دانش است.

در این مقاله نگارنده به دو نوع تصویر هنری در آیات الهی و با اشاره به ابیات تازی و پارسی پرداخته است. در تصویر نخست که تصویر بلاغی است و تصویر مفرد نام می شود و موضوعی از عناوین دانش بلاغت و اختصاصاً آرایه تشخیص واژگان الهی در قرآن مجید پرداخته می شود و گونه ای از بلاغت است که با اندیشه های علمای بلاغت در گذشته و حال مناسبت دارد. در تصویر دوم که تصویر بافتی است و فراگیرتر از تصویر اول تصویر صحنه و کلیت آن لحاظ می گردد و تصویر صحنه های طبیعت با ترسیم الگوی انسان وارگی و انتقال یک موجود بی جان در پیکره موجودی جاندار و با حس و اندیشه و خیال صورت می گیرد.

تصویر قرآنی هم در مواد تشکیل دهنده و هم انواع و هم در کارکرد های آن متمایز می شود در این نوع تصویر بیان شده رابطه تعامل و پیوستگی وجود دارد و بر تصویر مفرد و بلاغی روابط درونی حاکم است که در میان اجزایش برای شکل گیری آن رابطه برقرار می نماید. و روابط دیگری هم برقرار و حاکم است و در تصویر دوم که متکی بر الهام بخشی قوی است موجب تحریک عقل و عاطفه آدمی می شود. (الراغب، ۱۳۸۷، ۷۰ - ۶۷).

شیوه بیان قرآن در آرایه تشخیص به واسطه تخیل و تجسیم یکسان است. سید قطب در کتاب التصویر الفنی فی القرآن بخش پایانی را به مقدار ۱۴ صفحه به این موضوع اختصاص داده است و سایر نویسندگان با راهنمایی از کتاب وی به این آرایه پرداختند و تشخیص به گونه های مختلف تقسیم کرده اند مانند تشخیص طبیعی، حسی و عضوی، نفسی و معنوی، غیبی و تشخیص مفاهیم دینی. تشخیص طبیعی شامل بادها و کوه ها و نباتات و رعد و برق و سایه هاست و تشخیص نفسی و معنوی شامل غضب و خوف و مژدگانی و نفس و قلوب و تشخیص غیبی شامل روز قیامت، جهنم و عذاب و تشخیص مفاهیم دینی شامل قرآن و نماز و مرگ می شود (عفاره، ۱۴۳۲، ۷). مطعنی در بخشی از کتاب خود پیرامون تشخیص به مصادیقی اشاره نموده که به اختصار بیان می شود:

- ۱- نمونه های بشری با استناد به کریمه ۲۷ از سوره مبارکه بقره. ۲- قطع و وصل با استناد به آیه ۲۷ از سوره مبارکه بقره. ۳- جامدات زنده با استناد به آیات ۷۲ از سوره مبارکه احزاب و ۱۱

زیباشناسی واژگان قرآنی در پرتو ادبیات تازی و پارسی... ۱۰۵

از سوره مبارکه فصلت و ۲۵-۲۹ از سوره مبارکه دخان. ۴- نمونه های کلی با موضوعات شب و روز، صبح، باد، دعا و پریشانی (مطعنی، ۱۳۸۸، ۳۳۱ - ۳۵۰).

۲-۱- روش تحقیق

این نوشتار با الگویی توصیفی و تحلیلی با روش و شیوه کتابخانه ای و اسنادی بهره مند است و استنادات بینامتنی در حد بضاعت علمی مورد بررسی قرار گرفت و پس از توصیفات و بیان تعریفات به واکاوی موضوع پرداخته شد.

۳-۱- حدود پژوهش

در خصوص زیباشناسی واژگان قرآن کریم کتاب ها و مقالات بسیاری می توان نگاشت و محدود کردن اقیانوس علوم قرآنی به اندیشیدن در قالب نهری خاص و تخصصی کردن آن مورد عنایت نگارنده شد و تنها به بررسی آرایه تشخیص با نیم نگاهی به ادب تازی و پارسی پرداخته شد.

۴-۱- فرضیه پژوهش

در این نوشتار این فرضیه مورد تاکید قرار گرفت که آرایه دیرنام تشخیص در آیات وحیانی و سبحانی قدمتی به مقدار نزول کلام الهی دارد و شکل کامل آن در قالب آیات الهی است و سیمای ادب تازی و پارسی از آن بهره مند است.

۵-۱- پرسش های تحقیق

- ۱- تشخیص و کاربرد آن چه زیبایی در بلاغت قرآنی دارد؟
- ۲- تشخیص با آنیمیس چه فرقی دارد؟
- ۳- آرایه تشخیص ریشه در گذشته اسلامی دارد یا برداشتی از ادبیات غرب تلقی می گردد؟

۶-۱- پیشینه

آرایه تشخیص آرایه ای گمنام و دیرنام است گمنام است چون در کتب اسلاف پرکار فراوان بحث شده است و موضوعی از موضوعات استعاره است و دیرنام است و تفکیک دقیق آن از استعاره با این نام و عنوان عملی نوین است. عبدالقاهر جرجانی در اسرار آورده: «بیاری همین

استعاره جمادات را زنده و زباندار و بی زبان را فصیح و سخنور و چیزهای صامت و گنگ را خطیب و سخنگو و بزم آرا می یابی و این عرصه پرشکوه است که معانی کوتاه و نارسا روشنگر و پر تجلی شده اند و استعاره را در میان مقیاس های سخن مقیاسی بلیغ و یاری کننده می یابی که پربهتر از آن چیزی نیست مقیاسی که بی زیور آن اگر سخنان را رونقی نیست هر گاه بخواهی مفاهیم لطیف را از زوایای جان و خرد بیرون می آورد و آنگونه مجسم می کند که پنداری دیدگان آنرا می بیند و هر گاه بخواهی اوصاف جسمانی و بیجان را چندان روحانیت و لطف می بخشد که جز گمان و تخمین هیچ چیز به بارگاهش راه نمی یابد (جرجانی، ۱۳۷۰، ۲۵-۲۴) (الکواز، ۱۳۸۶، ۳۷۵). آرایه تشخیص در ایران نخستین بار در مقاله ای که یوسف اعتصام الملک درباره سروده دخترش " پروین " نوشته پدیدار گشت و برخلاف ادب پارسی در شعر تازی رایج بوده و در آثار سید قطب دیده شد (شمیسا، ۱۳۹۲، ۱۸۴). با بررسی های انجام شده و مراجعات مستقیم به کتاب خانه های معتبر و فضای مجازی کتاب و مقاله زیادی یافت نشد و آثار ذیل در داخل و خارج دریافت شد.

- ۱- التصوير الفنی فی القرآن سید قطب دارالشروق و تنها ۱۴ صفحه.
- ۲- التثخیص والتجسیم الفنی فی القرآن الکریم علی احمد عفارہ پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه البعث سوریه.
- ۳- زیباشناسی واژگان قرآن احمد یاسوف .
- ۴- جلوه های زیباشناسی سجع در قرآن مقاله دکتر حمیدرضا مشایخی مجله ادبیات و هنر دینی شماره ۳.
- ۵- نگاهی به مفهوم زیباشناسی مقاله دکتر جواد یوسفیان نشریه دانشگاه علامه طباطبائی .
- ۶- زیباشناسی کلام و حیانی قرآن کریم مقاله خانم اشرف السادات موسوی لر در مجله جلوه هنر.
- ۷- اصول و مبانی زیباشناسی قرآن کریم مقاله آقای سید محمد اباذری موسسه جهانی اطلاع رسانی آل البیت .

۸- مفاهیم زیباشناختی نوشته آقای حسن خرقانی به سال ۱۳۸۷.

۱-۷- تعاریف

سنگ بنای هر طرح و پژوهشی که آهنگ بیان و نوشتار آن باشد لازم می آید از پرتوش چراغی فرا راه خواننده نهد و گره دیگری بر اندیشه های گره خورده و نامفهوم نیفزاید و باید وارستگی و درستی و سلامت مفاهیم آن پژوهش تبیین گردد و با ارائه دانشی دقیق از آن مفاهیم ترازویی زیبا برای نوشتار و گفتار گردد. بنابراین برای فهم کامل هر دانشی و ژرف کاوی در کشف معانی، دانستن دقیق مفاهیم ضرورت دارد. بر عده ای از نویسندگان و صاحبان قلم مفهوم درست این آرایه شناخته شده نیست برخی آن را در مبحث جداگانه ای با عنوان جامدات زنده و برخی در تجسیم وعده ای با آنیمیم و در نهایت گروهی هم در ادامه مباحث استعاره بحث مربوط به استعاره مکنیه تخیلیه قلم فرسایی نمودند چون استعاره به تشبیه از حیث قدرت آن بر تصویرگری و ارائه حس معنا مرتبط است تا جایی که دانشمندان بلاغت اتفاق نظر دارند استعاره از تشبیه بلیغ تراست و نوعی مجازاست و تشبیه حقیقت و مجاز بلیغ تر است (السیوطی، ۱۹۶۹، ۱/۲۸۴). بنابراین مقتضی است مفهوم دقیق آرایه تشخیص به دقت بررسی گردد.

۱-۷-۱- تشخیص (personi fication)

عقل بخشی و هستی دادن به جامدات است تا تصویر معنی و نمایش آن به جان را فزونی بخشد و این موضوع را علمای علم بلاغت به استعاره مکنیه تعبیر می کنند (بکری، ۱۹۷۳، ۱۹۶). تشخیص عبارت است از اینکه اجسام را از طریق تصویر موجودی زنده و دارای ادراک و حرکت حیات جلوه دهیم (جبور، ۱۹۷۹، ۶۷). تشخیص، تصویر را از صرف خبر دادن که احتمال صدق یا کذب دارد به تخیل مشاهده حوادث و رخ دادهای آن منتقل می سازد و مخاطب می پندارد که آن چه بر گمان مبتنی است به یقین بدل می گردد (یاسوف، ۱۳۸۸، ۱۵۲).

در استعاره مکنیه تخیلیه مشبه به ما در بیشتر موارد انسان است و به اصطلاح استعاره انسان مدارانه است و غربیان این نوع استعاره را personification می‌گویند و در فارسی به تشخیص ترجمه شده است و می‌توان به آن انسان وارگی یا استعاره انسان مدارانه یا انسان واره یا انسان انگاری و نظایر آن گفت (شمیسا، ۱۳۹۲، ۱۸۴).

۱-۷-۲- آنیمیسم (Animism)

در تفکر بشر قدیم همه چیز جاندار بوده است و بقایای این تفکر هنوز هم هست و به سبب عادی بودن توجه را جلب نمی‌کند این موارد که معمولاً جنبه هنری دارد با امکانات علم بیان سنتی به استعاره مکنیه تخیلیه تعبیر و تفسیر می‌شوند (همان، ۱۸۶). و اینکه جمادات روح پنهانی دارند و در گذشته به "مانا" مشهور بوده دیگر سخن ایشان در تعریف آنیمیسم است. گرچه در دیگر اثر ایشان این دقت در تعریف و مثال لحاظ نمی‌گردد (شمیسا، ۱۳۸۶، ۲۸۲).

یکی از زیباترین گونه‌های صور خیال در شعر تصرفی است که ذهن شاعر در اشیاء و در عناصر بی‌جان طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدانها حرکت و جنبش می‌بخشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ۱۴۹). این تعریف در این کتاب برای تشخیص بیان شده است که با اندیشه نگارنده این نوشتار ناسازگار است و به قطع، اعتقاد به اینکه اشیاء دارای روح و صفات و عطر و بو و زندگی می‌باشند (شمیسا، ۱۳۹۲، ۱۸۸). تعریف آنیمیسم می‌باشد و درک این نکته «مساله شخصیت بخشیدن و حیات و جنبش دادن به اشیاء و عناصر طبیعت» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ۱۵۰). تعریف تشخیص است با شواهد قرآنی و آیات موجود در ادب تازی و پارسی مخالفت دارد که اشارت می‌گردد. شاید این تعریف در زمان نگارش به تأسی از آثار آن عصر به رشته تحریر درآمد مانند این تعریف و بیان عباس محمود عقاد در کتاب ابن الرومی و حیات: «بسیاری از شاعران هستند که طبیعت را وصف می‌کنند و کمتر از آنها می‌توانند این وصف را با حرکت و حیات همراه کنند» (همان، ۱۴۹).

۱-۷-۳- زیبایی چیست؟

زیبایی از مصدر زبیدن وصفی چون زیبایی دارد و تعاریف مختلفی از خود بجای نهاده که به قدر مجال تقدیم می گردد:

- ۱- زیبایی وحدت روابط صوری در مدرکات حسی ما (هربرت، ۱۳۷۴، ۳).
- ۲- زیبایی یک هماهنگی و هارمونی است که لذات ما را در یک خط سیر معین تشکیل می دهد و سبب اندیشه زیبایی می گردد (پی، ۱۳۳۶، ۹۸).
- ۳- زیبایی نظم و هماهنگی است که همراه عظمت و پاکی در شیء وجود دارد و عقل و تخیل تمایلات عالی انسان را به تحسین و لذت و انبساط پدید می آورد و امری نسبی است (معین، ۱۳۶۰، ۱۷۶۷/۲).
- ۴- استیسی می گوید: زیبایی عبارت است از آمیختگی معنوی عقلانی شکل یافته از تصورات تجربی غیرادراکی با حوزه ادراکی به شیوه ای که این محتوای عقلانی را می آفریند و این دو حوزه هرگز از یکدیگر قابل تمایز نیستند (جمعه، ۱۳۹۱، ۴۷).
- ۵- شیلر نیز چنین تعریف نمود: به واسطه زیبایی است که حس به سوی تصویر و اندیشه پیشرفت می کند و به واسطه زیبایی است که روح به ماده باز می گردد و باردیگر با جهان حس رابطه برقرار می کند در حالی که دیگر ادراکات آدمی تجزیه می شود چون یا در جنبه حسی حرکت می کند یا در جنبه روحی. پس ادراک زیبایی شناختن به تنهایی کلیت آدمی را باز می گرداند زیرا دو چیز را باهم می طلبد: حس و روح (همان، ۴۸).

۱-۷-۴- فرق تجسیم و تجسید

به نظر می رسد این دو واژه مترادف باشند ولی از آنجایی که دانشمندان علم بلاغت و زبان شناسان و زبان دانان در زبان عربی به ترداف اعتقادی ندارند فرق آنها بیان می شود: تجسید ویژه جنس بشری است و تجسیم آن چیزی است که طول و عرض و عمق دارد و به دیگر سخن تجسیم تعبیر از مجرد به محسوس دارد و معنی تصور و تصویرگری افکار و ادراکات عقلیه با

صورت‌های محسوس است و تجسید نسبت صفات بشری به افکار خاص و یا اشیائی است که قابلیت اتصاف به زندگان را ندارند مانند فضائل و رذائل. سخن آخر در تعریفات آنکه: انتقال حیات غیر عاقل به جایگاه حسی عاقل تشخیص است و انتقال معنویات به جایگاه عاقل تجسید و انتقال معنویات به حسیات غیر عاقل و قابل درک با حواس پنجگانه تجسیم است.

۱-۷-۵- فوائد تشخیص

این آرایه زیبا فوایدی دارد که اشاره می‌گردد:

۱- گنجینه ای تاثیر گذار در وسعت بخشیدن فضای خیال مخاطب است. ۲- انتقالی معمولی در حوزه استعاره نیست. ۳- تحول از حوزه خبر به حوزه نگرستن به واسطه قوه خیال است. ۴- علاوه بر خبر دادن مستقیم ژرفای تاثیر گذار آن هم افزوده می‌شود.

۲- آرایه تشخیص در گستره آیات و حیان و سبحانی قرآن کریم

۱-۲- سوره مبارکه مائده آیه شریفه ۱۶۱

«بل یداه مبسوطان ینفق کیف یشاء» یعنی: انفاق توسط دست عملی عاقلانه است و موضوع تشخیص را مصداق است (العلوی، ۱۴۲۳، ۱/ ۱۲۱).

۲-۱-۱- سوره مبارکه یونس کریمه ۱

«الر تلک آیات الکتاب الحکیم» یعنی: در این آیه نورانی حکیم وصف کتاب حق آمده و مضاف الیه نیست و با وجود وصف بودن و اتصاف قرآن به دانستن حکمت و حکیمانه سخن گفتن آرایه تشخیص صورت یافته است (ابوالسعود، بی‌تا، ۴/ ۱۱۶) و (القاسمی، ۱۴۱۸، ۴/ ۶).

۲-۱-۲- سوره مبارکه هود آیه ۸۷

«قالوا یا شعیب أصلاتک تأمرک ان نترک ما یعبد آباءنا» یعنی: آمره بودن صلاه و تشبیه عقول به سلطان مطاع آرایه تشخیص است (خفاجی، بی‌تا، ۸/ ۱۰۵).

۲-۱-۳- سوره مبارکه حجر کریمه: ۲۲

زیباشناسی و اشکال قرآنی در پرتو ادبیات تازی و پارسی... ۱۱۱۱۱

«**وارسلنا الریاح لواقح**» یعنی: بارور کردن عمل جانداران است و خاص موجودات عاقل نیست در این کریمه جان دار پنداری لحاظ است.

۲-۱-۴- سوره مبارکه هود آیه شریفه ۴۴

«**یا ارض ابلعی ویاسماء اقلعی**» یعنی: کلیه نداها و خطابات که مورد ندا جامدات هستند آرایه تشخیص است. چون آنان اهل تمیز و تشخیص و ذوی العقول و انسان واره پنداشته شده اند(درویش، ۱۴۱۵، ۴/۳۶۶ و ۵/۶۱۹)(الخفاجی، بی تا، ۵/۱۰۰).

۲-۱-۵- سوره مبارکه اسراء کریمه ۲۴

«**واخفض لهما جناح الذل من الرحمه**» یعنی: تشبیه ذل به پرنده بالدار نمونه زیبایی قرآنی برای آرایه آنیمیس است(الصابونی، ۱۴۱۷، ۲/۱۴۹).

۲-۱-۶- سوره مبارکه فاطر آیه ۴۵

«**ولو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابه**» یعنی: تشبیه زمین به جنبنده ای که بر پشت خویش حمل می کند نمونه دیگر آنیمیس در رحاب آیات الهی است (همان، ۲/۵۳۴).

۲-۱-۷- سوره مبارکه ملک آیه ۶

«**تکاد تمیز من الغیظ كلما التقی فیها فوج سألهم خزنتها الم یأتکم نذیر**» یعنی: تشبیه جهنم در غلیان و شدت و لهب به انسان تندخو شدید الغیظ لاریه تشخیص را بیان کرده است(همان، ۳/۳۹۷).

۲-۱-۸- سوره مبارکه یوسف آیه شریفه ۴۱

«**اذ قال یوسف لأبیه انی رأیت احد عشر کوکبا والشمس والقمر رأیتهم لی ساجدین**» یعنی: عمل سجده عملی دینی است برخلاف کرنش که از فرائض کفر است و توصیه های دینی ذات اقدس برای انسان است و بدین خاطر و فضیلت بر سایر موجودات ترجیح داده شد و اینکه خورشید و مهشید سجده نمودند کاربرد آرایه تشخیص را بیانگر است.

و نکته دیگر آنکه ذکر ضمیر للغائبین برای شمس و قمر بفرموده ابو عبیده مثنی نیز استعاره مکنیه تخیلیه است که در بلاغت معاصر تشخیص است چون معامله انسانی شده است.

۲-۱-۹- سوره مبارکه دخان آیه شریفه ۲۹

«فما بکت علیهم السماء و الارض و ما كانوا منظرین» یعنی: گریه آسمان و زمین در قالب سرخ شدن شدید ابرها و کسوف آرایه تشخیص است زیرا سرخی ابرها و بارش باران طبیعی است ولی با استعاره گریه آورده شود و انسان مدارانه شود و اشک با مفهوم و خردگرا باشد بدون اندک ریبهی این آرایه را بیان می نماید.

۲-۱-۱۰- سوره مبارکه احزاب کریمه ۷۲

«انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فأبین ان یحملنها و اشفقن منها» یعنی: درک امانت داری و وفای به پیمان و خیانت نکردن برای آسمانها و زمین و کوه بانگاه موجوداتی عاقل و خردمند و ذوی العقول و شعور تنها با تشخیص می توان بیان کرد.

۲-۱-۱۱- سوره مبارکه تکویر آیه شریفه ۱۵-۱۶

«فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس» یعنی: در این آیات نورانی به ستارگان جان بخشیده شده و بسان آهوان زیبا حرکت می کنند و می خرامند و در لانه هایشان پنهان می شوند و در جهتی دیگر باز می گردند و رد حرکت هدفدارشان پیوسته در ظهور و ستور هستند (راغب، ۱۳۸۷، ۸۴).

۲-۱-۱۲- سوره مبارکه نحل آیات نورانی ۹۱-۹۲

«و اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم و لا تنقضوا الایمان بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله یعلم ما تفعلون و لا تكونوا کالتی نقضت غزلها بعد قوه انکاثا تتخذون ایمانکم دخلا بینکم» یعنی: سوگند شکنی و عدم وفاداری به پیمان ها به زنی کم خرد و سست رأی تشبیه شده است که رشته هایش را پس از محکم بافتن پنبه می کند و تشبیه نقض پیمان و سوگند به زن سست عنصر آرایه تشخیص است و انسان وارگی صورت

زیباشناسی واژگان قرآنی در پرتو ادبیات نازی و پاری... ۱۱۳۱۱۱

یافته است گرچه علاوه بر آرایه تشخیص می تواند در موضوع تصویر گری هنری در آیات سبحانی پرداخته شود (راغب، ۱۳۸۷، ۱۲۹).

۱-۲-۱۳- سوره مبارکه فصلت کریمه ۱۱

«ثم استوی الى السماء وهی دخان فقال لها وللأرض ائتیا طوعا وكرها قالتا أتینا طائعين» یعنی: سخن گفتن و ناطق بودن با نیروی عقل و خرد خاص بشریت است و فصل انسان از سایر موجودات است و سخن گفتن زمین و آسمان در قالب انسان وارگی قابلیت آرایه تشخیص است (ابن قتیبه، بی تا، ۲۵) و (ابن اثیر، بی تا، ۱۲ / ۶۵).

۱-۲-۱۴- سوره مبارکه اسراء آیه شریفه ۳۶

«ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئک کان عنه مسئولا» یعنی: مسئولیت پذیری و پاسخگویی در قبال اعمال و کردار ویژه موجودات ذوی العقول و صاحب شعور است بنابراین شخصیت بخشی به این اعضا در آرایه تشخیص ظهور یافته است.

۱-۲-۱۵- سوره مبارکه اعراف آیه شریفه ۱۵۴

«ولما سکت عن موسی الغضب اخذ الالواح» یعنی: وصف غضبناکی و فرو خوردن خشم (الکاظمین الغیظ) از سرشت و ذوق اهل خرداست و اینکه خشم حضرت موسی فرو نشست با تعبیر سکت عن موسی الغضب آمده و آرایه تشخیص است (الزمخشری، ۱۴۱۸، ۲ / ۵۴۱).

۱-۲-۱۶- سوره مبارکه یونس کریمه ۲۴

«حتی اذا اخذت الارض زخرفها وازینت» یعنی: اینکه زمین خویشتن را با وجود گیاهان اراسته می کند این آرایش و پیراستگی در وجود انسان خاصه جنس ماده تجلی و تزین می یابد و شخصیت بخشی زمین در آراسته شدن بسان انسان، عنصر تشخیص را می رساند (الزحیلی، ۱۴۱۸، ۱۰ / ۱۴۷).

۱-۲-۱۷- سوره مبارکه تکویر آیات نورانی ۱۷-۱۸

«و اللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس» یعنی: در این دو کریمه سبحانی پشت کردن شب و دمیدن صبح با عبارات عسعس و تنفس بیان شده است و چونان موجوداتی دارای حیات پنداشته شده اند چون مصادر پشت کردن و تنفس نمودن در سایر کائنات و موجودات غیر ذی العقول نیز وجود دارد نمونه های زیبای آنیمیسیم است و جان دار پنداری صورت یافته است.

۲-۱-۱۸- سوره مبارکه انعام آیه شریفه ۷۶

«فلما جن علیه اللیل» یعنی: در این آیه اراده نمودن جهت پرده افکنی در موجودات عاقل و با اندیشه صورت می گیرد و این ادراک مبین تجلی آرایه تشخیص بیش از جان دار انگاری می باشد.

۲-۱-۱۹- سوره مبارکه ذاریات آیه شریفه ۴۱

«و فی عاد اذا ارسلنا علیهم الريح العقیم» یعنی: ریح به وصف عقیم متصف شده است صفتی که خاص نسوان است و زنی که بدلیل عقیم بودن ذریه همسرش را نابود می کند ارسال این باد نیز سبب هلاکت و نابودی است و انسان وارگی باد عقیم به زن آرایه تشخیص را مبین است.

۲-۱-۲۰- سوره مبارکه حاقه آیه شریفه ۶

«اما عاد فأهلكوا بريح صرصر عاتیه» یعنی: عاتیه از مصدر عتو به معنی النبو عن الطاعه و راغب می افزاید: حاله لاسبیل الی اصلاحها و عداوتها (الراغب، ۱۴۱۶، ۵۴۶). و شاید واژه متمرد و سرکش بهترین برگردان فارسی آن باشد و صفتی است که برای برخی انسان ها و از میانسان نظامیان باشد و چون انسان مدارانه توصیف شده است تشخیص به زیبایی درک می شود.

۲-۱-۲۱- سوره مبارکه یونس کریمه ۹۰

«حتی اذا ادركه الغرق» یعنی: غرق شدن غیر عاقل است و حکم خردمندی بدان داده شده است و در این کریمه غرق سربازی از سربازان الهی صاحب حس تعبیر شده که توانایی و

زیباشناسی وازنگان قرآنی در پرتو ادبیات نازی و پارسی... ۱۱۵

امکاناتی دارد و فرعون را دنبال می کند و از هر سو او را در خود احاطه می گیرد. و بیان گر آرایه تشخیص است (المغامس، بی تا، ۱۳/۱۵).

۲-۲- آرایه تشخیص در گذر ادبیات نازی و پارسی

۲-۲-۱- سروده لبید در معلقه معروف خود:

وغداه ریح قدوزعت وقره قداصبحت بید الشمال زمامها

چه بسا صبح های روز باد و سرما را که اختیار آن روزها در دست باد شمال بوده است برطرف و دفع کرده ایم (ترجانی زاده، ۱۳۹۰، ۱۵۳). دست با اختیار عمل و اقدام کند از صفات انسانی می باشد و یکی از ابیات قدیمی و نخستین در موضوع تشخیص است

۲-۲-۲- زهیر بن ابی سلمی

صحا القلب عن سلمی واقصر باطله وعری افراس الصبا و رواحله

(السکاکی، بی تا، ۳۲۷)

در این بیت شاعر، صبا را در قدرت و قوت و نیرومندی و میل به لهو و طرب به انسان تنومند و توانمند تشبیه کرده و این انسان وارگی تشخیص است (العلوی، ۱۴۲۳، ۱/۱۲۱).

۲-۲-۳- یادارقد غیرها بلاها كأنما بقلم محاهها

وظفقت سحابه تغشاهها تبکی علی صراعها عیناهها

استعاره این دو بیت در واژه سحابه از باب استعاره مکنیه است گریه ابر در این سروده با آرایه آنیمیسیم است و روح حیات و احساس رد طبیعت دمیده شد و گریان بودن صفت عام موجودات است و در بشر محصور نیست (الجاحظ، ۱۴۲۳، ۱/۱۴۱).

۲-۲-۴- سروده ابوتمام

یادهر قوم من اخدعیک فقد اضججت هذا الانام من خترقک

تروح علینا کل یوم وتغتدی خطوط کأن الدهر منهن یصرع

انزلته الایام عن ظهرها من بعد اثبات رجله فی الרכاب

ای روزگار رگهای گردن قوی دار که به راستی این قوم را از نادانی خویش به فریاد آوردی

به ما بس غم هولناک آمده است کزان پشت گیتی به خاک آمده است
روزگار چون مرکبی چموش او را از پشت خویش پایین آورده در حالی که تازه پای در رکاب
استوار کرده بود
در بیت نخست روزگار به انسانی قوی و نیرومند تشبیه شده است که دارای رگی در گردنی
قوی است و تشبیه دهر به انسان قوی انسان مدارانه است و مبین تشخیص است.
در بیت دوم به خاک افتادن که در اندیشه بشری اعلام شکست و نابود شدن است برای نزول
غمها در نظر می آید و انتساب و تشبیه نزول غم به افتادن انسان تجلی آرایه تشخیص است.
و در بیت سوم روزگار به مرکبی چموش تشبیه شده است و جان دار پنداری صورت گرفته
است و برخلاف دوبیت ذکر شده آرایه آنیمیسیم یا جان دار پنداری می باشد (ضیف، ۱۳۸۳،
۱۷۱).

۲-۲-۵- بیتی از ابن معنز

جمع الحق لنا فی امام قتل البخل و احیاء السماح

ابن معنز به بخل و سماح دو نسبت قتل و احیاء داده و جان دار پنداشته شده است (همان، ۲۶۰).

۲-۲-۶- ولئن نطقت بشکر برک مفصحا فلسان حالی باشکایه انطق

(التفتازانی، ۱۴۲۵، ۶۰۷)

این سروده گفته شده متعلق به محمد بن عبدالله عتبی و یا ابونضر بن عبدالجبار است حال را به
انسانی تشبیه نمود و زبانی برای اقرار داد و این شاخصه انسانی است که در سپاس گزاری یا
ناسپاسی قابلیت استفاده دارد (القزوینی، ۱۴۲۵، ۲۱۸).

۲-۲-۷- عطار به نقل از بایزید آورده

به صحرا شدم عشق باریده بود (عطار، ۱۳۸۹، ۱۶۶). بایزید بسطامی در گفتارش بارش عشق
که از ملائمت والای انسانی است را شخصیت بخشی نمود و نمونه زیبای نثر در تشخیص
است.

۲-۲-۸- بیت مولوی در کلیات شمس

زیباشناسی واژگان قرآنی در پرتو ادبیات نازی و پاری... ۱۱۷۱۱۱

دیده ی عقل مست تو، چرخه ی پست چرخ تو گوش طرب به دست تو، بی توبه سر نمی شود
(مولوی، ۱۳۸۷، ۲۰۸)

با تشبیه عقل و خرد به بشریت با مضاف دیده که از اجزای اصلی جسم است و مناسبتی تام بین دیده و عقل است آرایه تشخیص به زیبایی بیان گردید.

۲-۲-۹- مثالی خوش از حافظ

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟
(حافظ، ۱۳۸۲، ۱۹)

حافظ خوش گفتار با کاربرد منادا برای نسیم او را چون انسانی مورد خطاب قرارداد و استفهام از منادی مبین عاقل بودن و خردمندی است بنابراین آرایه تشخیص در سروده وی محسوب می شود.

۲-۲-۱۰- سروده اقبال لاهوری

سحر در شاخسار بوستانی چه خوش می گفت مرغ نغمه خوانی
(لاهوری، ۱۳۸۹، ۱۹۴)

نغمه خوانی که از صفات عام موجودات عاقل و غیرعاقل است انسان و پرنده موصوف این وصف می باشند پس آرایه آنیمیسیم بکاررفته است. هر موجودی غیر از انسان در کلام « منادا » قرار گیرد آن کلام دارای تشخیص است. و در مصرع دوم سخن گفتن مرغ آرایه تشخیص است.

۲-۲-۱۱- ملک الشعرا ی بهار

ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند
(بهار، ۱۳۸۲، ۲۸۶)

در شرح این بیت برخی برآند مکالمه و گفتگو با غیرجاندار ی که مخاطب قرار گیرد نمونه آرایه آنیمیسیم است (شمیسا، ۱۳۹۲، ۱۸۷).

۲-۲-۱۲- نمونه ای از تشخیص، از فرخی سیستانی

۱۱۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره چهل و نهم

گل بخندید و باغ شد پدرام ای خوشا این جهان بدین هنگام

(سیستانی، ۱۳۷۳، ۶۵)

خندیدن وصف مناسب و ملائم انسان است و تعبیر آن برای گل گویای کاربرد آرایه تشخیص است.

۲-۲-۱۳- مثالی برای تشخیص از فخرالدین عراقی

ز گوشه‌ای غم تو گفت: می‌خورم غم کمارت ز جانبی ستمت گفت: غم مخور که در آنم

(عراقی، ۱۳۷۳، ۱۳۹)

سخن گفتن برای غم و ستم ملائم حال بشر است و این شخصیت بخشی آرایه تشخیص محسوب می‌شود.

۲-۲-۱۴- نمونه‌ای از شاعره معاصر پروین اعتصامی

غنچه‌ای گفت به پژمرده گلی که ز ایام، دلت زود آزرده

(اعتصامی، ۱۳۹۴، ۱۶۸)

تعبیر سخن گفتن برای غنچه با آرایه تشخیص بیان شد.

۲-۲-۱۵- نمونه‌ای از شعر نو

گاه تنهایی، صورتش را به پس پنجره می‌چسباند

شوق می‌آمد

دست در گردن حس می‌انداخت

فکر بازی می‌کرد (سپهری، ۱۳۷۵، ۱۶۱).

اینکه تنهایی صورتش را به پس پنجره بچسباند و شوق اجزای جسمانی و فیزیولوژیک داشته باشد و حرکت کند و بازی کردن فکر زیباترین و متراکم‌ترین نمونه تشخیص در شعر نو می‌باشد.

۳- نتایج مقاله

آرایه تشخیص در ادبیات جهانی قدمتی قبل از ظهور دین مبین دارد و صنعتی گمنام و دیرنام است. پیشینیان آن را در مبحث بیانی استعاره آوردند و از نوع مکنیه تخیلیه می باشد و علمای علم کلام نیز برای آن سمند سخن را به طریقی دگر راندند. و با تاثیر پذیری از نام گذاری غربیان با عنوان پرسونی فیکاسیون یکی از زیباترین انواع صور خیال را به عناوین بلاغی افزودند. در این مقال سعی بر آن شد تا آرایه ای که از رهگذر نیروی تخیل در ذهن شاعر، عناصر بی جان را حرکت و جنبش و خرد می بخشد در پرتو آیات سبحانی و با نیم نگاهی به گونه های آن در ادبیات تازی و پارسی بررسی گردد. مجموعه این نوشتار بخش اندکی از زیباشناسی واژگان قرآن کریم با محوریت آرایه تشخیص محسوب می شود. بدان سبب که زیبایی هر چیزی به کمال آن است و قرآن کریم نیز نماد کامل کمال است و از آنجا که زیبایی حقیقی بر جزئیات آن کل تکیه دارد بررسی این موضوع در قالب پژوهشی زیباشناختی موافقت تام دارد. و جمالیات قرآن کریم نیز از حیث انسجام میان ساختار و محتوا برای تحقق هدایت کامل است.

کتابشناسی

- ابن الاثیر، ضیاء الدین نصرالدین محمد. (بی تا). *المثل السائر فی ادب الکاتب والشاعر*، تحقیق احمد الحوفی ویدوی طبانه، القاہرہ، مصر: دار نهضة للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة.
- ابن قتیبه الدینوری، ابو محمد بن عبدالله بن مسلم. (بی تا). *تأویل مشکل القرآن*، تحقیق ابراهیم شمس الدین، بیروت، لبنان: دارالکتب العلمیه.
- ابوالسعود العمادی، محمد بن محمد. (بی تا). *تفسیر ابی السعود*، ارشاد العقل السلیم الی مزایا الکتاب الکریم، بیروت، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۹۴). *دیوان پروین اعتصامی*، تهران: انتشارات سبزیان گستر.
- بکری، شیخ امین. (۱۹۷۳). *التعبیر الفنی فی القرآن*، بیروت، لبنان: دار الشروق.
- بهار، ملک الشعراء. (۱۳۸۲). *دیوان ملک الشعراء بهار*، تهران: انتشارات آزاد مهر.
- پی‌یر، گاستالا. (۱۳۳۶). *زیباشناسی تحلیلی*، ترجمه علی نقی وزیری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ترجانی زاده احمد. (۱۳۹۰). *شرح معلقات سبع*، تهران: انتشارات سروش.
- التفتازانی سعدالدین مسعود بن عمر. (۱۴۲۵). *المطول*، تصحیح احمد عزو عنایه، بیروت، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- جبور عبدالنور. (۱۹۷۹). *المعجم الادبی*، بیروت، لبنان: دار العلم للملایین.
- الجرجانی عبدالقاهر. (۱۳۷۰). *اسرار البلاغه*، ترجمه دکتر جلیل تجلیل، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جمعه حسین. (۱۳۹۱). *بررسی زیباشناختی و سبک شناسی تقابل در قرآن*، تهران: انتشارات سخن.
- حافظ شیرازی. (۱۳۸۲). *دیوان حافظ*، نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: انتشارات خانه فرهنگ و هنر گویا.
- الحسینی السید جعفر السید الباقر. (۱۳۹۲). *کتاب الباء شرح مفردات نهج البلاغه*، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- همو. (۱۳۸۹). *کتاب الالف شرح مفردات نهج البلاغه*، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- همو. (۱۳۸۷). *اسالیب البیان فی القرآن*، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- الخفاجی الحنفی المصری شهاب الدین احمد بن محمد. (بی تا). *حاشیه الشهاب علی تفسیر البیضاوی*، بیروت: دار صادر.
- درویش محیی الدین بن احمد. (۱۴۱۵). *اعراب القرآن و بیانه*، حمص، سوریا: دار الارشاد للشئون الجامعیه.

زیباشناسی و اثرگان قرآنی در پرتو ادبیات نازی و پاریس... ۱۲۱۱۱

- الراغب الاصفهانی. (۱۴۱۶). *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، سوریه: دارالقلم.
- الراغب عبدالسلام، احمد. (۱۳۸۷). کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم، ترجمه دکتر سیدحسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- الزحیلی، دوهبه بن المصطفی. (۱۴۱۸). *التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج*، دمشق: دارالفکر المعاصر.
- الزمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر. (۱۴۱۸). *الکشاف عن حقائق التنزیل*، تصحیح الشیخ احمد عادل احمد عبدالوجود والشیخ علی محمد معوض، الرياض: مکتبه العبیکان.
- سپهری، سهراب. (۱۳۷۵). *شعر زمان ما*، اهتمام محمدحقوقی، تهران: انتشارات نگاه.
- السکاکی، ابویعقوب. (بی تا). *مفتاح العلوم*، تحقیق حمدی محمدی قایل، القاهرة، مصر: المکتبه التوفیقیه.
- سیستانی، فرخی. (۱۳۷۱). *گزیده اشعار فرخی سیستانی*، بهمن حمیدی، تهران: انتشارات هیرمند.
- السیوطی، ابوبکر عبدالرحمن. (۱۹۶۹). *معتزک الاقران فی اعجاز القرآن*، تصحیح علی محمد البجاوی، قم: دارالفکر العربی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: انتشارات آگاه.
- شمیسا سیروس. (۱۳۸۶). *نقد ادبی*، تهران: نشر میترا.
- همو. (۱۳۹۲). *بیان*، تهران: نشر میترا.
- صالح، صبحی. (۱۴۲۵). *نهج البلاغه*، مصر: دارالکتاب المصری.
- ضیف، شوقی. (۱۳۸۳). *تاریخ و تطور علوم بلاغت*، ترجمه دکتر محمدرضا ترکی، تهران: انتشارات سمت.
- عراقی، فخرالدین شیخ ابراهیم. (۱۳۷۳). *دیوان عراقی*، تهران: انتشارات نگاه.
- عطار نیشابوری، فریدالدین ابو حامد محمد. (۱۳۸۹). *تذکره الاولیاء*، تصحیح مجتبی رضوانی، قم: چاپ نوید اسلام.
- عفاره، علی احمد. (۱۴۳۳). *التشخیص فی القرآن الکریم*، السوریه: جامعه البعث السوریه.
- العلوی یمنی، یحیی بن حمزه بن علی بن ابراهیم. (۱۴۲۳). *الطراز*، تحقیق د. عبدالحمید هنداو، قم: انتشارات ذوی القربی.
- القاسمی، محمد جمال الدین بن محمد سعید. (۱۴۱۸). *محاسن التأویل*، تحقیق محمد باسل عیون السود، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- القزوی، الخطیب. (۱۴۲۵). *الایضاح فی علوم البلاغه*، تحقیق غرید الشیخ محمد وایمان الشیخ محمد، بیروت، لبنان: دارالکتاب العربی.

۱۱۲۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره پیاپی و نهم

قطب سید. (۱۴۲۳). *التصوير الفنى فى القرآن*، القاهرة، مصر: دارالشروق.

کواز، محمد کریم. (۱۳۸۶). *سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن*، ترجمه دکتر حسین سیدی، تهران: نشر سخن.

لاهوری، اقبال. (۱۳۸۹). *کلیات دیوان اقبال*، تهران: انتشارات زوار.

مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد. (۱۳۸۸). *ویژگی های بلاغی بیان قرآن*، ترجمه دکتر سیدحسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.

معین محمد. (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

المغامسی، ابوهاشم صالح بن عواد بن صالح. (بی تا). *تاملات قرآنیه*.

مولوی، جلال الدین محمد بلخی. (۱۳۸۷). *کلیات شمس*، نسخه بدیع الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات پیمان.

هربرت، رید. (۱۳۷۴). *معنی هنر*، ترجمه دریابندری، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

یاسوف، احمد. (۱۳۸۸). *زیباشناسی وائزگان قرآن*، ترجمه دکتر سیدحسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.